

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶

صص ۳۴-۵

تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران

دکتر زهرا احمدی پور* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
علی ولی‌قلی‌زاده - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۲۰

چکیده

در جغرافیای سیاسی، اگر به عوامل سرزمین، دولت و ملت به‌عنوان سه رکن بنیادین کشور نگریسته می‌شود، بدون تردید، پایتخت به‌عنوان مرکز هدایت دولت و گرانگه نیروی محرکه آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. این در حالی است که هر دولتی، زمانی که پایتخت خود را فاقد کارایی لازم در سیستم جغرافیای سیاسی کشور و نیز در نظام ژئوپلیتیک جهانی ببیند، سعی خواهد کرد با انتقال پایتخت به یک مکان جدید، مشکل مربوطه در گستره جغرافیای سیاسی کشور را برطرف سازد. در سرزمین ایران نیز، مکان‌گزینی و انتقال پایتخت‌ها معمولاً در جهت رفع مشکلات جغرافیای سیاسی و نیز حل مسائل ژئوپلیتیکی کشور با مناطق پیرامونی آن به انجام رسیده است؛ تا جایی که نیاز دولت مرکزی به حمایت ملی، دلیل اصلی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در هسته ملی دولت، کنترل و اداره بهینه کشور باعث مکان‌گزینی آن در یک موقعیت مکان مرکزی و نیز مشکلات ژئوپلیتیکی و تهدید برانگیز پیرامونی باعث مکان‌گزینی پایتخت‌ها در یک موقعیت استراتژیکی و کاملاً ژئوپلیتیکی بوده است. بنابراین، هدف اصلی این مقاله تبیین عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی پایتخت‌ها در سرزمین ایران می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ایران، پایتخت، انتقال پایتخت، جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک.

۱- مقدمه

پایتخت مهمترین عنصر در ساختار سیاسی فضاست با کارکرد و هویت سیاسی - اداری و نیز کارکردهای اقتصادی، تجاری، فرهنگی. این واحد فضایی - سیاسی صرف نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای آن، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است. در همین راستا، پایتخت دارای اختیارات ویژه‌ای در ورای اختیارات سایر واحدها و عناصر تقسیمات کشوری است که آن را نسبت به دیگر واحدهای تقسیمات کشوری متمایز می‌سازد (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱).

در واقع، به دلیل اینکه وجود هیچ دولتی را بدون پایتخت یا مرکز اداره و کنترل آن نمی‌توان تصور کرد، هر دولتی که شکل می‌گیرد، در ابتدا، حکومت یک مکان جغرافیایی خاص را، با توجه به قابلیت‌های مکانی و انسانی آن به‌عنوان تکیه‌گاه و موتور محرکه دولت خود انتخاب می‌کند. البته مکان‌گزینی پایتخت، با توجه به شرایط زمانی و مکانی و نیز نوع ساختار دولت و حکومت، تحت تأثیر عوامل متفاوتی به انجام خواهد رسید. در همین راستا، در سرزمین ایران، شهر اکباتان یا هگمتانه (همدان امروزی) اولین شهری بود که توسط دولت ماد به‌عنوان پایتخت یک دولت مقتدر برگزیده شد؛ از آن زمان تا به حال، با توجه به اینکه، در این سرزمین دولت ثابت وجود نداشته و این سرزمین همواره از اهمیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار بوده است، بنابراین، در هر دوره تاریخی، این جغرافیا، با تجربه یک دولت جدید، پایتخت جدیدی نیز تجربه کرده است. این در حالی است که بیشتر دولت‌های تشکیل شده در این سرزمین، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی، و حساسیت‌های ناشی از آن، همواره برای اداره جغرافیای سیاسی این سرزمین و مقابله با مسائل ژئوپلیتیکی آن، پایتخت خود را انتقال داده و یا ملزم به استفاده از سیستم چند پایتختی بوده‌اند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- پایتخت

پایتخت به‌عنوان کانون سیاسی کشور، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که دربردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲). پایتخت شهری است که دارای بیشترین تعداد جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی است (بهفروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷). و مهمتر از همه، پایتخت مرکز اقتدار سیاسی کشور به‌شمار می‌رود و معمولاً محل استقرار سران سه قوه (مجریه، مقننه، قضائیه)، اعضای آنها، کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۳۸). در واقع این مکان مرکزیت جغرافیایی، هندسی، و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای انگیزشی مستقر در آن، عناصر و عوامل انسانی و کالبدی فضا و جریان‌ها و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از طرف دیگر نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان‌ها و اعمال اراده سیاسی در اقصی نقاط فضای مربوطه به‌شمار می‌رود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

۲-۲- نقش و کارکرد پایتخت‌ها در جغرافیای سیاسی و وزن ژئوپلیتیکی

پایتخت، قبل از هر چیزی مرکز کنترل سرزمین، و مکانی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مرکز نمادین یک دولت به‌شمار می‌رود (Taylor, 1989: 147). این مکان در برگرنده تشکیلات اجرایی مرکزی یک واحد سیاسی و معمولاً شامل دیگر سازمان‌های قضایی، قانونی، آموزشی و فرهنگی است (W. Weigert & Others, 1957: 143). و نیز محل ملاقات نمایندگان دولت با نمایندگان دیگر دولتهاست. معمولاً سفرا و هیأت‌های دولتهای دوست در پایتخت استقرار می‌یابند. نمایندگی‌های بانک‌های خارجی و اتاق‌های بازرگانی، تا اندازه‌ای به خاطر تماس مستقیم و آسان با حکومت، دفاتر خود را در شهر پایتخت برپا می‌کنند (Pounds, 1963: 187). پایتخت از دو کارکرد ذاتی متفاوتی برخوردار است: الف) کارکرد جذبی و کششی؛ ب) کارکرد دفعی و پراکنشی؛ یعنی انسانها، جریانها، مواد و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و

پدیده‌ها، فرمان‌ها، دستورالعمل‌ها، عملیات کنترلی و نظارتی، تولیدات و غیره را در سطح فضای مربوط پخش می‌کند و فضا را به حوضه نفوذ و قلمرو اعمال اراده سیاسی خود تبدیل می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

ایجاد اتحاد و برقراری انسجام دولت، کارکرد اصلی یک پایتخت ملی است. در واقع، پایتخت مرکزی است برای اشاعه نفوذ و اقتدار سیاسی و فرهنگی که از تأثیرات ملی‌سازی برخوردارند (Cohen, 1964: 168). پایتخت‌ها تمرکز دهنده احساسات [و عواطف گروه‌های مختلف] بوده و پیوندهای موجود میان ملت‌ها را تقویت می‌کنند (Pounds, 1963: 192). بنابراین، همان‌طور که ویتلسی^۱ اشاره می‌کند: «پایتخت انعکاس دهنده هستی، قدرت و تشکیلات سیاسی دولت است که دارای سیستم مدیریت مرکزی است... (پایتخت‌ها) تجسم مناطق مرکزی‌اند که به‌عنوان کانون‌های ملی‌گرایی ظاهر شده‌اند (Cohen, 1964: 169). پایتخت‌های ملی بزرگترین مرکز تجمع قدرت سیاسی در کشور مربوطه هستند. آنها مکان حکمرانان ملی و اجرایی کشورند. اما در موارد بسیار، بویژه در مورد دولتهای فدرال اهمیت صنعتی و تجاری پایتخت، معمولاً کمتر از دیگر شهرها در کشورهای مشابه است. در چنین مواردی، فاکتورهای تأثیرگذار در گزینش مکان پایتخت، اغلب بجای آنکه اقتصادی باشند، سیاسی و یا استراتژیک هستند. به این معنی که پایتختها، همیشه نیازمند آنچه که جفرسون^۲ شهرهای نخستین نامیده است، نیستند. شهرهایی که همیشه بی‌اندازه بزرگ و به صورت استثنایی بیانگر ظرفیت و احساسات ملی در کشور مربوطه هستند. «قانون نخست شهری»^۳ جفرسون به دلایلی روشن در کشورهای فدرالی اعمال نمی‌شود. پایتخت کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و هند همه کوچکتر از برخی شهرهای دیگر در این کشورها هستند. هرچند دو نمونه وین و بوینس آیرس این دیدگاه را تأیید نمی‌کنند. با این حال، پایتخت ملی به طور کم و بیش شهر نخست کشورش است و در طول زمان به خاطر اهمیت تاریخ و سنن آن، نمود حیات ملی بوده؛ و توسعه آن در پی تکثیر تجارت اداری و تمرکز

^۱ . Whittlesey

^۲ . Jefferson

^۳ . Law of The Primate City

تجارت و صنعت در مرکز سیاسی پایه اقتدار آن محسوب می‌شود (Dikshit, 1995: 87-8). مهمتر از همه، برخی کانون‌های سیاسی همچون پاریس که استمرار تاریخی داشته‌اند، با تکیه بر اقتدار و قدمت خود، در شکل‌گیری ملت، دولت و انبساط جغرافیایی فضای دولت و استقرار سرحدات و مرزهای آن در بستر تاریخ مؤثر بوده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۳). علاوه بر این، در یک دولت فدرال با تنوعات گسترده داخلی، پایتخت، تنها مکانی است که می‌تواند همه مردم را کنترل نماید. غالباً در یک چنین دولتی، منطقه‌ای است که از بقیه کشور جداست و در آن کشور به صورت یک «منطقه فدرال» وجود دارد، طوری که هیچ کدام از نهادهای دولت فدرال به اندازه پایتخت ملی از نفوذ کافی برخوردار نیستند. برای مثال در کشور استرالیا کانبرا این نقش را به عهده دارد. همچنین، یک پایتخت باید، هم در جهت کنترل بخش‌های دور افتاده یا قسمت‌هایی که از ارتباط سستی با بقیه کشور برخوردارند و نیز برای دفاع از دولت در برابر نفوذهای نامطلوب خارجی منشأ قدرت و اقتدار دولت باشد. ولی این نقش پایتخت حالت نوسان دارد، با این وجود، بارها اتفاق افتاده است که پایتخت در قلب اقتصادی کشور واقع شده است، جایی که حجم گسترده‌ای از قدرت دولت از آن ناشی شده است (Glassner, 2004: 103).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی - تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. لازم به ذکر است که بیشتر مطالب این مقاله، با توجه به ماهیت و محتوای تاریخی آنها و نیز در جهت برخورداری این اثر از یک محتوای جغرافیای سیاسی، مورد بازبینی و ویرایش نویسندگان آن قرار گرفته تا محتوای مقاله از بار جغرافیای سیاسی برخوردار باشد. این مقاله با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین تحقیق علمی در جغرافیای سیاسی است که به در تبیین عوامل اصلی تأثیرگذار در مکان‌گزینی و انتقال پایتخت‌های سرزمین ایران پرداخته است. سؤال اصلی تحقیق این است که: عوامل اصلی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی و انتقال پایتخت دولت‌ها در سرزمین ایران کدامند؟ در همین راستا، این تحقیق در راستای سه فرضیه زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفته‌اند: فرضیه اول: به نظر می‌رسد عامل خاستگاه قومی حکومت‌ها در امر مکان‌گزینی پایتخت‌های

سرزمین ایران بیشترین سهم را داشته است. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد عوامل تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی پایتخت‌های سرزمین ایران، با موقعیت مکان مرکزی پایتخت (منطقه هسته) در ارتباط بوده است. فرضیه سوم: به نظر می‌رسد عامل تهدید خارجی در امر مکان‌گزینی پایتخت‌های سرزمین ایران مؤثر بوده است.

۴- بررسی و تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی و انتقال پایتخت‌ها در سرزمین ایران

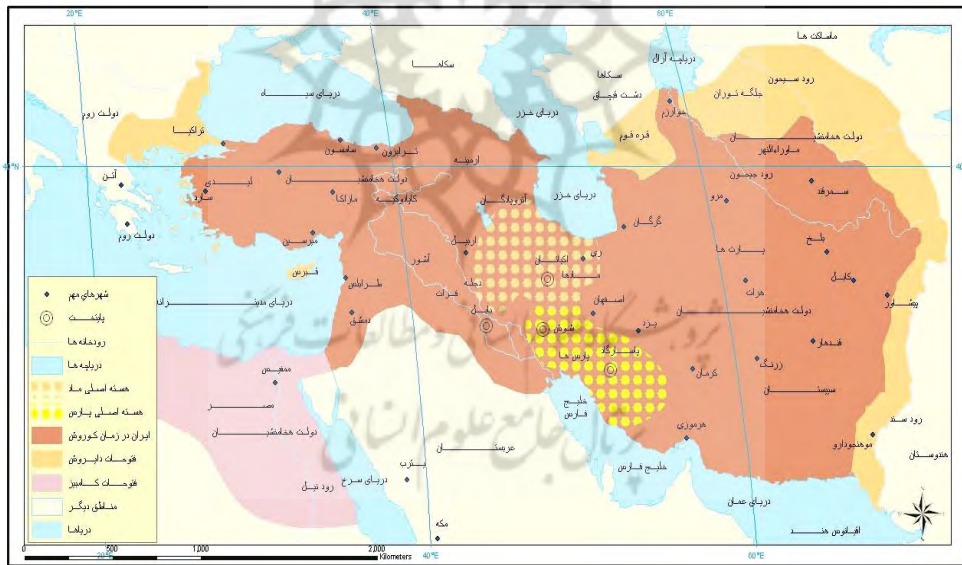
۴-۱ دوره قبل از اسلام، دوره اقتدار و حاکمیت دولتهای ایران باستان (مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان)

هگمتانه مظهر وحدت ملی، الگو و سمبل همبستگی و اتحاد قومی مادها محسوب می‌شد (نظریان، ۱۳۷۷: ۶). این شهر، از نظر جغرافیایی و موقعیت ژئوپلیتیک آن، تقریباً در یک موقعیت آفندی و پدافندی نسبت به اورارتورها و آشورها قرار داشت. یعنی در آن واحد می‌توانست هر دو جبهه را نیز تحت کنترل داشته باشد. علاوه بر این، هگمتانه در جایی واقع شده بود که تقریباً در یک منطقه‌ای محوری و بی‌طرف در میان دیگر اقوام ساکن دولت ماد قرار داشت. همچنین، این شهر، با توجه به اینکه در مرکز ثقل ملی^۱ و جغرافیایی دولت^۲ ماد قرار گرفته بود، از قابلیت یک منطقه هسته‌ای در سیستم جغرافیای سیاسی و شبکه شهری کشور نیز برخوردار بود. تا جایی که احاطه کامل پایتخت ماد بر گستره جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی کشور حاصل همین برتری ژئوپلیتیکی موقعیت ویژه اکباتان در ساختار سیاسی - فضایی دولت ماد بوده است. در دوره هخامنشیان، پاسارگاد به‌عنوان اولین پایتخت رسمی این دولت، خاستگاه قومی و ملی آن بود. در این بین، شوش به‌عنوان مهمترین پایتخت هخامنشیان، در واقع به خاطر سابقه پایتخت بودن آن در زمان دولت ایلام یکی از مناطق هسته‌ای کشور محسوب می‌شد. انتخاب بابل نیز تا حدی به خاطر

^۱ - با توجه به اینکه در دولتهای سرزمینی، عنصر اصلی تشکیل یک دولت مردمان یک قوم بوده است، بنابراین در این مقاله هدف اصلی از کاربرد کلمه ملی بر ویژگی‌های جمعی و غالب آن قوم دلالت دارد.

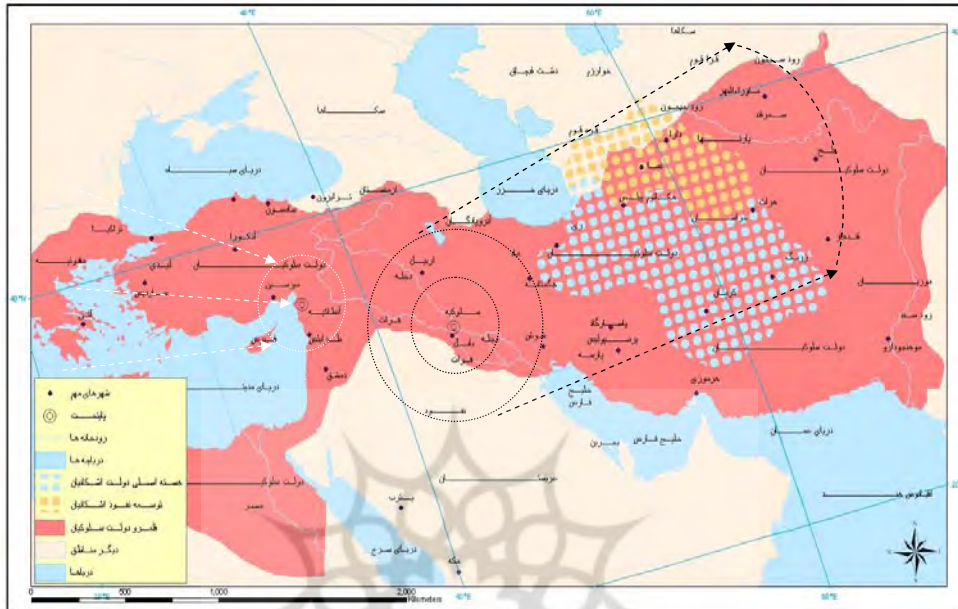
^۲ - علی‌رغم اینکه در دوران قدیم چیزی به عنوان دولت (State) به مفهوم امروز آن وجود نداشته، ولی شکل خاصی از دولت به عنوان دولت سرزمینی در تمام دوران تاریخ ایران وجود دارد. دولت سرزمینی بر اساس وجود سرزمین، فتح سرزمین یا گستره‌های مورد ادعای سرزمینی بوجود می‌آید.

موقعیت ارتباطی آن و بیشتر به خاطر موقعیت استراتژیک آن بود. کارکرد اصلی این پایتخت، تأمین امنیت غرب کشور، بویژه کنترل مناطق جدایی‌طلب مصر بود. در این بین، انتخاب تخت جمشید، دوباره به خاطر تمرکز حکومت در کانون ملی دولت بود. البته، این انتخاب بیشتر از یک جنبه تشریفاتی برخوردار بود. اکباتان نیز بیشتر به خاطر کنترل بر مناطق مرکزی و شمالی و نیز مناطق آسیای صغیر انتخاب شد. در ضمن، این شهر مهمترین مرکز استراتژیکی این دولت در برابر تهدیدات ناشی از جانب شمال نیز بود. البته در انتخاب اکباتان، برخورداری دولت از پشتیبانی ملی مادها نیز، با توجه به اینکه مادها از خویشاوندان پارس‌ها بودند تأثیرگذار بوده است. دولت سلوکیان نیز، با توجه به این که در سرزمین ایران، یک دولت کاملاً بیگانه به‌شمار می‌رفت، استراتژی اصلی این دولت در مکان‌گزینی پایتخت‌های آن، برخورداری از یک موقعیت ارتباطی، بویژه ارتباط خارجی بود.^۱



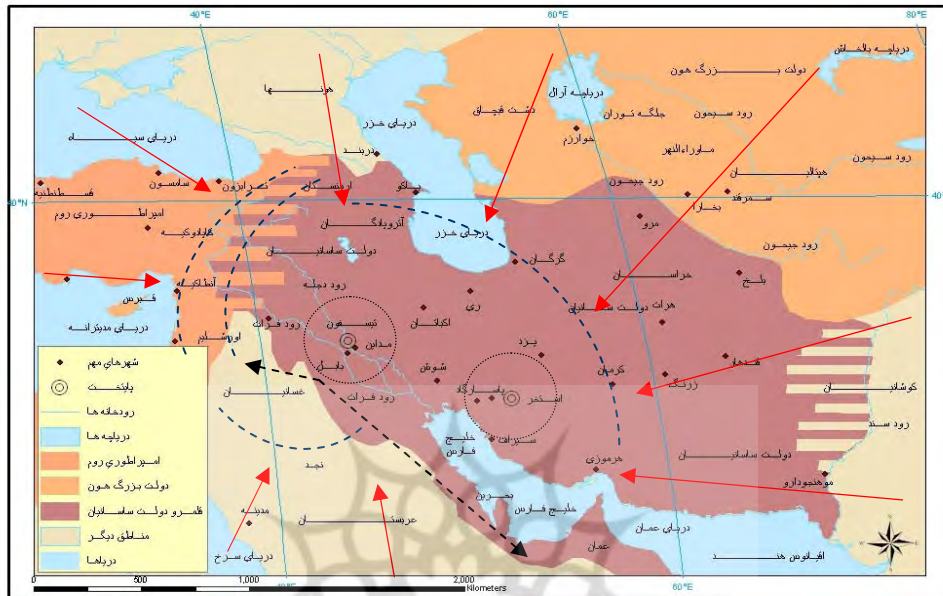
نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت هخامنشیان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۱)

۱- کارهای گرافیکی مختلفی که بر روی نقشه‌ها انجام شده است، نشان دهنده گستره و دایره نفوذ اصلی پایتخت‌ها و موقعیت حساس ژئوپلیتیک آنها در برابر مناطق استراتژیک پیرامونی و تهدیدهای بیرونی و درونی است. در واقع، در تمام نقشه‌ها کارکرد کنترلی پایتخت در گستره جغرافیای سیاسی کشور و نیز گستره ژئوپلیتیک منطقه با فلش‌ها و دوائر کشیده شده بر روی نقشه‌ها نشان داده شده است.



نقشه شماره ۲: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت سلوکیان (همان: ۵۵)

دولت سلوکیان سیاستی را بکار برد که بعدها دولتهای استعماری اروپایی در قرن نوزدهم در مستعمرات خود برای ارتباط با سرزمین اصلی، پایتخت‌های خود را در شهرهای بندری انتخاب می‌کردند. هر دو پایتخت این دولت از چنین موقعیتی برخوردار بودند. با این حال، انتخاب آنطاقیه بیشتر دارای یک ماهیت امنیتی بود. علاوه بر آن، آنطاقیه برای سلوکیان از مرکزیت بیشتری برخوردار بود. در دوره اشکانیان هم، نسا به‌عنوان اولین پایتخت اشکانیان، خاستگاه قومی و تکیه‌گاه ملی آنها بود. این شهر برای همیشه در نزد دولت اشکانی به‌عنوان یک هسته ملی مطرح بوده است. همچنین، نسا، دارا، هکاتم‌پیلس و ری همواره در مقابل هجوم ترک‌ها از یک موقعیت تهاجمی دفاعی برخوردار بوده‌اند. اما، انتخاب تیسفون به‌عنوان مهمترین پایتخت اشکانیان، قبل از همه یک انتخاب استراتژیک بود. این انتخاب از دو جنبه برای اشکانیان مهم بود: یکی به لحاظ موقعیت تدافعی و امنیتی آن در مقابل نفوذهای دولت سلوکی و دیگری به لحاظ موقعیت ارتباطی آن؛ یعنی ارتباط با فرهنگ یونانی و نیز ارتباط آبی از طریق دجله و خلیج فارس با دولتهای دیگر.



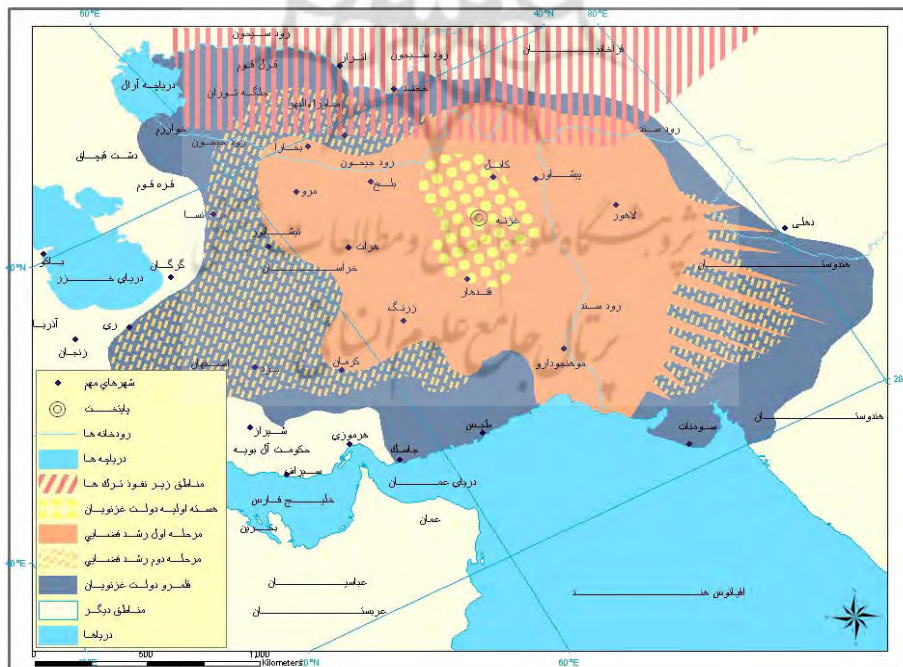
نقشه شماره ۳: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت ساسانیان (همان: ۶۰)

به علاوه، در دوره ساسانیان، انتخاب تیسفون به‌عنوان پایتخت اصلی ساسانیان، بازتاب موقعیت و وزن ژئوپلیتیکی حساس این دولت است. تیسفون کاملاً یک انتخاب استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بود. اولاً، به خاطر سابقه پایتخت بودن آن در دوره سلوکی و اشکانی از قابلیت هسته‌ای و وزن ژئوپلیتیکی بالایی در گستره شبکه شهری کشور برخوردار بود؛ ثانیاً، از یک موقعیت تهاجمی و دفاعی مناسبی در مقابل رومیان و هون‌ها برخوردار بود. به عبارتی، این شهر با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، محور ژئوپلیتیکی دولت ساسانیان در برقراری تعادل ژئوپلیتیکی آن در مقابل تهدیدات شرقی و غربی بوده است. ثالثاً، این شهر، در مسیر راههای تجاری زمینی و دریایی دولت ساسانیان قرار داشت. در این بین، استخر نیز به‌عنوان اولین پایتخت ساسانیان در مرکز ثقل پارس به‌عنوان یگانه هسته ملی ساسانیان قرار داشت (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹-۱۰۵).

۴-۲- دوره اقتدار و حاکمیت دولتهای ترک با خاستگاه برون فلاتی (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان مغول و تیموریان)

۴-۲-۱- دوره غزنویان

این دولت جانشین دولت سامانی در سرزمینهای سابق آن در جنوب رودخانه جیهون گردید، اما مرکز اصلی آن شهر غزنه و ناحیه زابلستان در حاشیه فلات افغانستان بود (بوئل، ۱۳۸۰: ۲۱). مهمترین رویداد مربوط به این دولت، توسعه طلبی آن در سرزمین هند بود (فرای، ۱۳۶۳: ۱۴۶). غزنویان، شهر غزنه که در مرز شبه قاره هند قرار داشت، به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۸۵). آنها در گستره سرزمینی خود در داخل ایران و در خارج از آن، غزنه را بلاد اصلی و نواحی دیگر را فرعی می‌شمردند. این امر نشانه ارتباط قلبی آنها به پایتختشان بود (مدد، ۱۳۸۴: ۷۱). در واقع، با انتخاب غرنه به عنوان پایتخت، این شهر از طرفی پایگاهی شد برای حمله به سرزمین بارور و غنی هند و از طرف دیگر اسباب مشروعیت غزنویان بود (نورایی، ۱۳۸۴: ۱۸۷).



نقشه شماره ۴: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت دولت غزنویان (ولی قلی زاده، ۱۳۷۸: ۶۲)

این شهر به‌عنوان پایتخت دولت غزنویان، کانون سیاسی و قلب تپنده اقتدار ملی اولین دولت مستقل و مقتدر در ایران، بعد از ورود اسلام به این سرزمین به‌شمار می‌رود. اهمیت ژئوپلیتیکی این شهر به‌عنوان پایتخت دولت غزنویان کاملاً مشهود است. این شهر، با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در محدوده هسته جمعیتی غزنویان، کاملاً از بار ژئوپلیتیکی پشتیبانی ملی برخوردار بود. بنابراین، تکیه‌گاه اصلی و محور ژئوپلیتیکی توسعه فضایی و انبساط دینامیکی دولت غزنویان به‌شمار می‌رفت. لازم به‌ذکر است که دولت غزنویان نمود بارز و آشکار رشد و توسعه دینامیکی منطقه هسته‌ای غزنه به حساب می‌آید. در آن زمان، این شهر، با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیک آن، بزرگترین مرکز ارتباطی و مواصلاتی جهان اسلام با سرزمین چین، هند و ماوراء ترکستان بود. بنابراین، دلیل اصلی انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت، وزن ژئوپلیتیکی بالای آن بود. این شهر، به نوعی به‌عنوان سپر دفاعی دولت غزنویان در مقابل دولتهای ترک عمل می‌کرد. با این حال، حتی توسعه و انبساط فضایی دولت غزنویان در سرزمین هند، در جهت ایجاد عمق ژئوپلیتیکی، نتیجه تهدیدهای ناشی از جانب ترک‌ها بوده است. در واقع، مهمترین ویژگی ژئوپلیتیکی غزنه، به نوعی استیلای جغرافیایی - ژئوپلیتیکی آن در کانون تهدیدهای برون مرزی است. البته، همین موقعیت جغرافیایی غزنه در مرکز ثقل جغرافیایی و به تبع آن دسترسی مناسب به راههای ارتباطی و مواصلاتی داخلی، عامل بقا و دلیل اصلی اقتدار و سیطره کامل دولت غزنویان بر جغرافیای سیاسی کشور بوده است.

۴-۲-۲- دوره سلجوقیان

با ظهور این دولت ترک پایه در آسیای مرکزی، کانون سیاسی ابتدا به نیشابور و سپس متناسب با توسعه جغرافیایی قلمرو سلجوقی به سوی غرب، به شهرهای [ری]، اصفهان و همدان منتقل شد. با این حال، در اواخر حیات این سلسله کانون سیاسی به خاستگاه اولیه سلجوقیان، یعنی شهر مرو در آسیای مرکزی عودت داده شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۶). مهمترین پایتخت این دولت اصفهان بود. آنها در اصفهان، بدون واسطه و به صورت مستقیم مرکز و غرب ایران و نیز عراق و خراسان را کنترل می‌کردند. سلجوقیان در اصفهان، بیشتر درگیر مسائل و جریانات مربوط به عراق و شمال سوریه بودند (بویل، ۱۳۸۰: ۸۳). همچنین، در محدوده جغرافیای

سیاسی سلجوقیان، اسماعیلیان به‌عنوان هسته مقاومت داخلی و عامل اصلی تخریب قدرت دولت عمل می‌کردند (نورایی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). بنابراین، در چنین شرایطی، مهمترین نقش دولت سلجوقیان، کنترل بر سرزمین‌های مرکزی، لشکرکشی به مناطق غربی، و تأمین امنیت مناطق شرقی بود (بویل، ۱۳۸۰: ۶۳).



نقشه شماره ۵: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت سلجوقیان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۵)

با این وجود، با توجه به اینکه، خاستگاه سلجوقیان منطقه ماوراءالنهر بود، آنها اولین پایتخت خود را در نزدیکی خاستگاه قومی خود انتخاب کردند. بنابراین، نیشابور به‌عنوان مرکز ثقل و نقطه شروع رشد ارگانیکی دولت سلجوقیان انتخاب شد. این دولت برخلاف دولت غزنویان، افق‌های ژئوپلیتیکی خود را در پیشروی و توسعه به سوی غرب انتخاب کرده بود. در واقع، جایجایی و مکان‌گزینی دوباره پایتخت برای این دولت، جزو نیازهای ژئوپلیتیکی آن برای اداره بهتر و استیلای کامل بر گستره جغرافیای سیاسی کشور، در تناسب با رشد و توسعه گستره جغرافیایی آن در جهت غرب بود. پایتخت‌های این دولت، با توجه به این که در مسیر کانون‌های عمده تجاری - اقتصادی منطقه و جهان (آسیای مرکزی، شرقی، جنوب غربی و

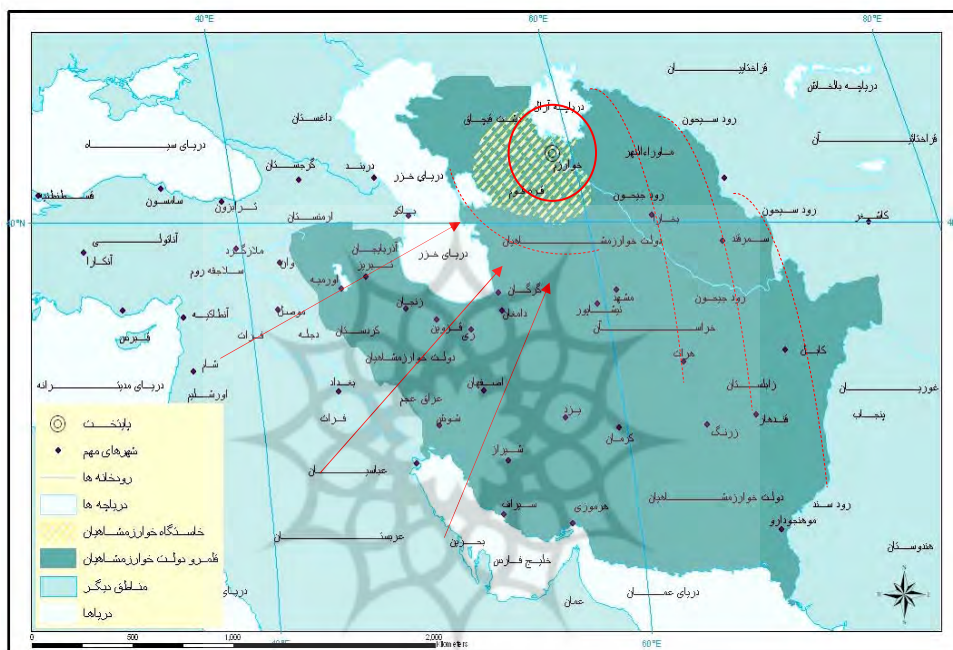
دولتهای حوزه دریای مدیترانه) و به تبع آن در مسیر راه‌های ارتباطی و مواصلاتی، بویژه جاده ابریشم قرار داشتند، جزو مناطق فعال ژئواکونومیکی نیز به حساب می‌آمدند.

مهمترین پایتخت این دولت شهر اصفهان بود. این شهر با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در مرکز ثقل جغرافیایی کشور، و نیز نزدیکی به مرزهای غربی، با توجه به اینکه این دولت افق‌های ژئوپلیتیکی خود را در توسعه به سوی غرب تعریف کرده بود، به لحاظ کارکردهای ژئوپلیتیکی آن، کاملاً یک پایتخت مرکز شبکه و پیشناز به‌شمار می‌رود. این پایتخت، با اینکه بازوی اجرایی دولت و اسباب اقتدار آن در مرکز کشور در جهت کنترل بر مناطق مرکزی و نیز استیلای کامل دولت بر گستره جغرافیای سیاسی کشور بود، همزمان، نقش هدایت و کنترل دولت سلجوقی در جهت تحقق افق‌های ژئوپلیتیکی آن و نیز برطرف کردن خلأ ژئوپلیتیکی کشور در مقابل دولت روم را بر عهده داشت. بنابراین، در این دوره، ژئوپلیتیک این شهر هم در بطن ویژگی مکان مرکزی یا قابلیت هسته‌ای بودن آن ظاهر می‌شود و هم در بطن کارکردهای تهاجمی و تدافعی آن شکل می‌گیرد. به‌علاوه، انتقال پایتخت این دولت به شهر مرو نیز، از جمله نیازهای ژئوپلیتیکی این دولت بود که در انطباق کامل با چالش‌های ژئوپلیتیکی آن در منتهی‌الیه شمال‌شرقی کشور قرار داشت. علی‌رغم اینکه اصفهان به‌عنوان یک پایتخت پیشناز، هم دارای کارکرد دفاعی و هم کارکرد تهاجمی بود، این شهر تنها به‌عنوان سپر دفاعی دولت در مقابل تهدیدهای ناشی از جانب دولتهای ترک نقش‌آفرینی می‌کرد.

۴-۲-۳- دوره خوارزمشاهیان

خوارزمشاهیان ابتدا در قالب یک حکومت محلی در حاشیه شمال شرقی دولت سلجوقیان، حکومت می‌کردند. آنها رفته رفته، به دنبال توسعه فضایی و سیاسی، بعد از سلجوقیان دولت مستقلی در جغرافیای سرزمین ایران به وجود آوردند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۲۸). آنها شهر خوارزم در کنار رود جیهون را به‌عنوان پایتخت خود برگزیدند (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۸۵). این شهر در نقطه تلاقی راه‌های ارتباطی چین، ایران، هندوستان و دشت سیبری در آسیا و نیز جنوب روسیه قرار داشت. حتی این موقعیت ارتباطی و روابط تجاری خوارزم با جهان ترک در توسعه و گسترش قدرت خوارزمشاهیان و نیز در سقوط این دولت نقش قاطع و مهمی در تمامی جریان‌ها

سیاسی بازی می‌کند. این شهر، علاوه بر موقعیت جغرافیایی مساعد و تجارت فعال آن، از نظر نظامی نیز دفاع از آن بسیار آسان بود. در واقع، رودخانه جیهون مانع بزرگی برای عبور به داخل آن به حساب می‌آمد (قفس‌اوغلو، ۱۳۶۷: ۴۰-۳۹).



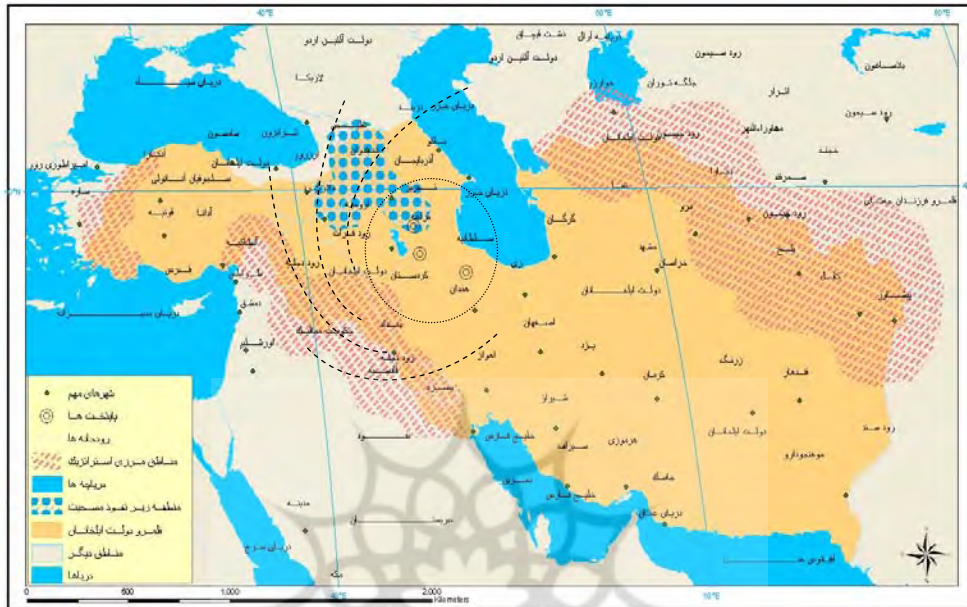
نقشه شماره ۶: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت دولت خوارزمشاهیان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۸)

در مجموع، این دولت نمود کامل توسعه و انبساط جغرافیایی یک منطقه هسته‌ای ملی به‌شمار می‌رود. هسته اولیه این دولت در منطقه خوارزم در جنوب دریاچه آرال به وجود آمد. ژئوپلیتیک این دولت مانند اکثر دولتهای پیشین در مبارزات و رقابت آن با دو جبهه شرقی و غربی خلاصه می‌شود؛ البته، در این بین دولتهای شرقی در مقایسه با دولتهای غربی مشکل‌سازتر بودند. حتی، توسعه و انبساط جغرافیایی دولت خوارزمشاهیان در جهت غرب این ادعا را ثابت می‌کند. بنابراین، مهمترین دلیل ابقای پایتخت در خوارزم، حفظ امنیت و بقای دولت در مقابل تهدیدات ناشی از جانب دولتهای ترک بود. البته، این به این معنی نیست که هیچ تهدیدی از جانب مرزهای غربی، بویژه دستگاه خلافت عباسی متوجه این دولت نبود، بلکه دستگاه خلافت

عباسی، با توجه به اینکه مقابله با قدرت و توسعه جغرافیایی دولت خوارزمشاهیان در غرب ایران، از توان آن خارج بود، پیوسته اقدام به تحریک دولتهای شرقی و نیز عناصر مخالف داخلی دولت خوارزمشاهیان بر علیه آن می‌نمود. لازم به ذکر است که عدم برخورداری خوارزمشاهیان از پشتیبانی ملی و نوعی منزلت ژئوپلیتیکی در داخل فلات ایران نیز، از جمله دلایل ابقای پایتخت در مرکز ثقل ملی و در کانون پشتیبانی ملی ترک‌هاست (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۴-۲-۴ دوره ایلخانان مغول

مغول‌ها بعد از یک دوره آشوب و کشمکش در سراسر ایران، حکومت یکپارچه‌ای را در این سرزمین پدید آوردند و کانونهای سیاسی خود را در شهرهای مراغه، تبریز و سلطانیه (در شمال غربی فلات ایران) استقرار دادند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۲۸۷). در این دوره، علی‌رغم اینکه موطن اصلی ایلخانان در منطقه آسیای مرکزی قرار داشت، با توجه به اینکه ترکیب غالب جمعیتی منطقه آذربایجان ترک (ترک‌های سلجوقی و ...) بود، و نیز این منطقه هسته اصلی استقرار مغول‌ها در ایران به‌شمار می‌رفت، بنابراین، انتخاب پایتخت در این منطقه، تا حد زیادی از وزن ژئوپلیتیکی پشتیبانی و حمایت ملی برخوردار بوده است. به‌علاوه، این منطقه، با توجه به موقعیت تهاجمی - دفاعی آن نسبت به محیط پیرامونی، بویژه در مقابل سلجوقیان آناتولی و توسعه گستره جغرافیایی - سیاسی دولت ایلخانان در غرب (منطقه قفقاز، آناتولی و حوزه دریای مدیترانه) از یک موقعیت ژئوپلیتیکی ژئواستراتژیکی نیز برخوردار بود. مراغه به‌عنوان اولین پایتخت این دولت، با توجه به رویکردها و توجهات خاص این دولت برای دوستی و همکاری با دنیای مسیحیت در دوره هلاکو، در واقع، به نوعی عامل ارتباطی دولت ایلخانان با گستره جغرافیایی - فضایی دنیای مسیحیت به‌شمار می‌رفت. این منطقه، با توجه به ترکیب جمعیتی کم و بیش مسیحی آن و نیز نزدیکی آن به سازه تمدنی مسیحی، هسته اصلی تمرکز مسیحیان در سرزمین ایران بود.



نقشه شماره ۷: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت ایلخانان مغول (ولی قلی زاده، ۱۳۷۸: ۷۱)

با این حال، با تغییر در رویکردهای دولت ایلخانان و نشر اندیشه‌های اسلامی، این بار این منطقه با محوریت تبریز به‌عنوان سپر دفاعی ایلخانان در مقابل مسیحیان عمل می‌کند. بنابراین، کارکرد اصلی تبریز و مراغه، استقرار و حفظ هسته اصلی قدرت ایلخانان در منطقه و نیز رفع هر نوع خلأ ژئوپلیتیکی این دولت در منطقه غرب کشور - در شرق ایران همسایگان اصلی این دولتهای ترک مغول بودند، بنابراین روابط با آنها بیشتر به صورت روابط دوستانه و همکاری بوده است - و در مقابل تهدیدات خارجی از جانب مسیحیان، سلجوقیان آناتولی، ی شام و مصر بود. در این بین، کارکرد اصلی استراتژیکی و ژئوپلیتیکی سلطانیه نیز، به‌عنوان سومین پایتخت این دولت، با توجه به موقعیت مرکزی آن در داخل کشور و شبکه شهری و به تبع آن دسترسی به راه‌های ارتباطی - مواصلاتی، کنترل بر مناطق مرکزی و بحران‌خیز کشور، بویژه مناطق شیعه‌نشین بود. علاوه بر این، کارکرد اقتصادی - تجاری و مواصلاتی هر کدام از پایتخت‌های دولت ایلخانان بر موقعیت هسته‌ای آن در داخل سیستم جغرافیای سیاسی

و شبکه شهری کشور دلالت دارد. در این بین، تبریز با توجه به موقعیت هسته‌ای آن، علاوه بر اینکه در داخل کشور از وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار بود، در بعد منطقه‌ای و جهانی نیز، یکی از کانون‌ها و هسته‌های اصلی فعالیت‌های تجاری - اقتصادی جهان به‌شمار می‌رفت.

۴-۲-۵- دوره تیموریان

تیموریان به درستی دریافتند که احیای دوباره امپراطوری بزرگ مغول، بدون تصرف سرزمین هند و چین نیز میسر نخواهد بود (دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹: ۷۹). در همین راستا، این دولت در ابتدا هرات را به‌عنوان مرکز سیاسی حکومت خود برگزید. این شهر در قرن ۱۴ م. به مرکز اصلی تجارت شمال، شرق، جنوب و غرب بین آلتین اردو، خوارزم و هند و تجارت غرب - شرق بین دولت ایلخانان و ایالات غربی چین تبدیل و به زودی محور اصلی حیات بازرگانی و فکری آسیای مرکزی شد (همان: ۱۹۸). با این وجود، به زودی تیمور مرکز حکومت خود را به شهر سمرقند در خارج از فلات و به نزدیکی دره فرغانه که خاستگاه وی بود، انتقال داد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۷).



نقشه شماره ۸: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت تیموریان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۶)

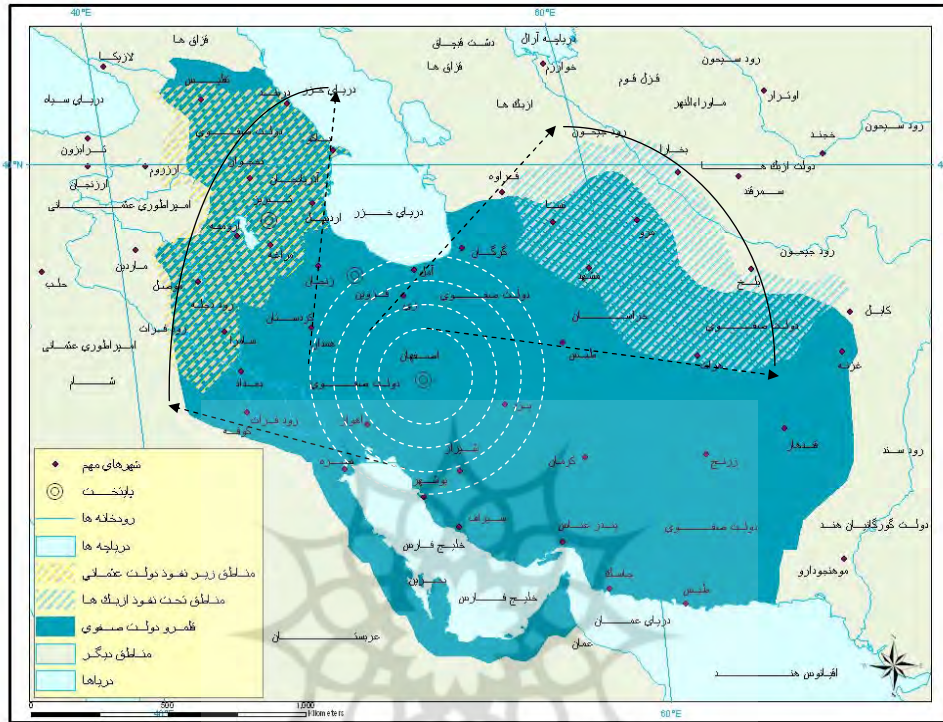
در مجموع، با توجه به رویکردهای کاملاً نظامی این دولت برای توسعه و انبساط گستره جغرافیایی - سیاسی آن و نیز اینکه هدف اصلی این دولت احیای دوباره امپراطوری بزرگ چنگیز بود، بنابراین، شهر هرات با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن و نیز اهمیت تجاری - اقتصادی آن بین محورهای تجاری - اقتصادی شرق و غرب و نیز شمال و جنوب، از موقعیت مناسبی برای توسعه و بسط دولت تیموریان در گستره جغرافیایی پیرامونی آن برخوردار بود. در واقع، موقعیت ویژه این شهر در مرکز ثقل جغرافیایی دولت تیموریان، به نوعی بازگوکننده اهمیت آن به عنوان یک منطقه هسته‌ای در جهت کنترل و استیلای کامل آن بر گستره جغرافیای سیاسی دولت تیموریان است. با این وجود، پایتخت اصلی این دولت شهر سمرقند بود. دلیل اصلی انتقال پایتخت به شهر سمرقند را باید در بطن عوامل حس تعلق مکانی و به تبع آن ارزش‌های آیکونوگرافیک این مکان جغرافیایی به عنوان مهمترین بعد وزن ژئوپلیتیکی آن در نزد دولت تیموریان جست. در حقیقت، شهر سمرقند در مرکز ثقل ملی این دولت قرار داشت. به علاوه این شهر، در مسیر راههای تجاری شرق و شمال واقع شده بود. البته، انتخاب این شهر به عنوان پایتخت با توجه به یک استراتژی ژئوپلیتیکی نیز قابل توجیه است. یعنی پر کردن خلأ ژئوپلیتیکی دولت تیموریان در مقابل دولت آلتین اردو و نیز تحقق بزرگترین هدف ژئواستراتژیک این دولت برای تصرف سرزمین چین. هر چند که، با انتقال پایتخت به سمرقند، مناطق غرب کشور دچار خلأ ژئوپلیتیکی و قدرت شد.

۴-۳- دوره اقتدار و حاکمیت دولتهای درون فلاتی (صفویان، افشاریان، زندیان، قاجاریان)

۴-۳-۱- دوره صفویان

در این دوره، تبریز به عنوان اولین پایتخت دولت صفویان، در مرکز ثقل ملی و هسته اصلی تمرکز جمعیت ترک قرار داشت. این مرکز به عنوان تکیه‌گاه اصلی ژئوپلیتیکی صفویان به شمار می‌رود. ژئوپلیتیک تبریز دارای ابعاد مختلفی است: این شهر، با توجه به سابقه پایتخت بودن آن در دوره‌های قبل، بویژه در زمان ایلخانان مغول و به تبع آن موقعیت ویژه اقتصادی -

تجاری و ارتباطی - مواصلاتی آن در داخل شبکه شهری کشور و نیز در بعد منطقه‌ای و جهانی، بزرگترین هسته اقتصادی - تجاری کشور به حساب می‌آمد. همچنین، با توجه به اینکه، دشمن اصلی و رقیب همیشگی صفویان، دولت ترک عثمانی بود، بنابراین، این شهر در مقابل دولت عثمانی سپر دفاعی و کانون اقتدار دولت صفویان بود. این شهر، با توجه به اینکه کانون تمرکز ترک‌های شیعه بود، به‌عنوان حساس‌ترین نقطه ژئوپلیتیکی جهان در مقابل بزرگترین قدرت آن زمان، یعنی دولت عثمانی قد برافراشت. بنابراین، به‌عنوان نقطه اتکاء و هسته اصلی منطقه ژئواستراتژیک شیعی، علاوه بر بعد داخلی آن، در نظام ژئوپلیتیک جهانی نیز به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین مراکز سیاسی دنیا به حساب می‌آمد. با این وجود، تبریز به زودی جایگاه خود را در معادلات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دولت صفوی با دولتهای همسایه، بویژه دولت عثمانی از دست داد. در واقع، انزوای ژئوپلیتیکی دولت صفوی و تهدید پایتخت از جانب دولت عثمانی، ایجاب می‌کرد تا این دولت تکیه‌گاه ژئوپلیتیکی خود را در عمق استراتژیکی گستره جغرافیایی - سیاسی خود مکان‌گزینی نماید. علاوه بر این، مشکلات جغرافیای سیاسی دولت صفوی و نیز تنگناهای ژئوپلیتیکی آن در مقابل دولت ازبکان از جانب شمال شرق مزید بر علت شد تا پایتخت از تبریز به قزوین انتقال یابد.



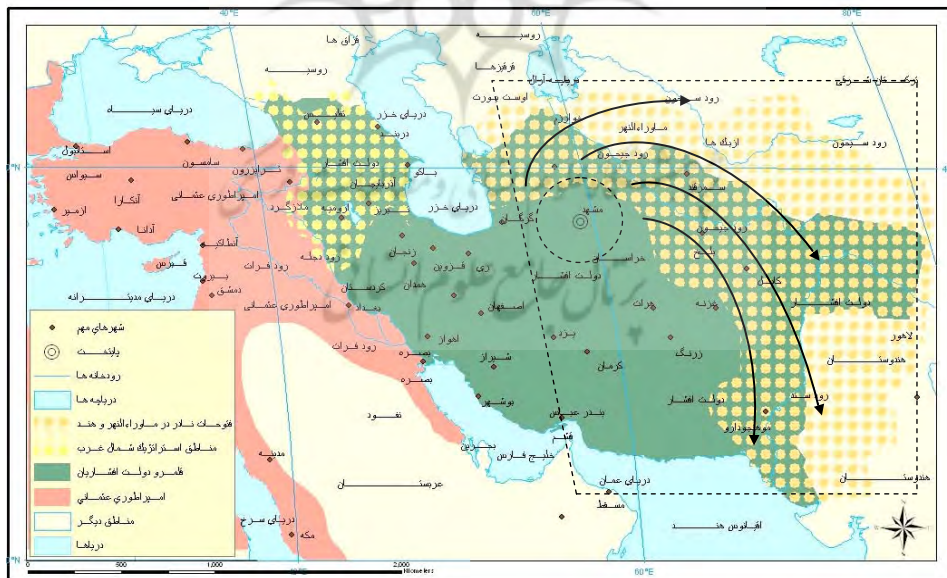
نقشه شماره ۹: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت‌های دولت صفویان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۲)

در واقع، امنیت قزوین بخاطر موقعیت جغرافیایی آن در کانون منطقه ژئواستراتژیک شیعه، استیلای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن نسبت به دو جبهه غربی و شرقی، قرار گرفتن آن در مرکز ثقل جغرافیایی و شبکه شهری کشور و به تبع آن برخورداری از یک شبکه ارتباطی - مواصلاتی مناسب برای ارتباط مرکز سیاسی با پیرامون کشور و بالعکس (با توجه به وجود نیروهای گریز از مرکز و نیز عناصر مخالف با حکومت مرکزی) در جهت کنترل کامل حکومت بر گستره جغرافیای سیاسی کشور، مهمترین دلایل مکان‌گزینی پایتخت در شهر قزوین بودند. علی‌رغم این، با توجه به اینکه در مکان‌گزینی شهر قزوین به‌عنوان پایتخت، استیلای ژئوپلیتیکی و کنترل کامل آن بر مناطق آسیب‌پذیر مد نظر بوده است، اما قدرت نفوذ و تهدید دولت عثمانی نسبت به دولت صفوی به‌قدری افزایش یافته بود که قزوین نیز، علی‌رغم فاصله نسبتاً زیاد آن از مرزهای دولت عثمانی در معرض تهدید قرار داشت. بنابراین، این بار نیز، با توجه به مسائل موجود، پایتخت از قزوین به

اصفهان انتقال داده شد. هدف اصلی از انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت دولت صفوی، فائق آمدن دولت بر کل مشکلات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی آن بود. این شهر، با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی، برخورداری از تمام شرایط یک منطقه هسته‌ای (با توجه به سابقه پایتخت بودن آن در دوره‌های قبلی) و به تبع آن رونق اقتصادی و تجاری اصفهان و دسترسی آسان به مناطق مختلف کشور، بهترین گزینه برای مکان‌گزینی پایتخت به‌شمار می‌رفت.

۴-۳-۲ دوره افشاریان

در این دوره، پایتخت از اصفهان به مشهد انتقال یافت. دلایل این انتقال را می‌توان مکان‌گزینی پایتخت در مرکز قوم افشار، نزدیکی به مرزهای شرقی یا گامی در جهت تحقق برنامه‌های نادرشاه برای کشورگشایی، بویژه تصرف هندوستان دانست (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۶-۱۴۵). در چنین شرایطی، با توسعه قلمرو حکومت در شرق، این شهر به‌لحاظ مرکزیت آن بر اصفهان ترجیح داشت. همچنین، مشهد بزرگترین و مهمترین شهر نزدیک به زادگاه نادر (ایبورد و کلات نادری) بود (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۲۸).

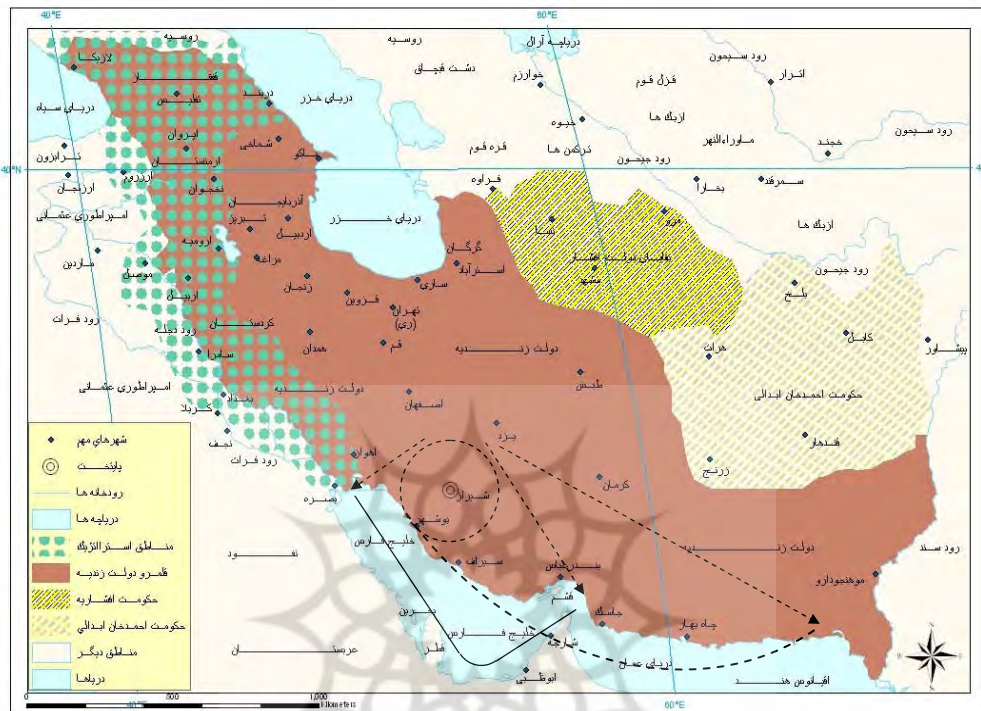


نقشه شماره ۱۰: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت دولت افشاریان (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۵)

بنابراین، با توجه به اینکه خاستگاه قومی و تکیه‌گاه ملی در دولت‌های سرزمینی، به‌عنوان مهمترین و پایدارترین تکیه‌گاه ژئوپلیتیکی آنها، مهمترین منطقه هسته و کانون انبساط جغرافیایی و فعل و انفعالات دینامیکی دولت‌های سرزمینی به‌شمار می‌رود، بنابراین، مشهود نیز به‌خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه آن در کانون هسته و مرکز ثقل ملی دولت افشاریه به‌عنوان پایتخت انتخاب شد. از طرف دیگر، با توجه به رویکردهای کاملاً نظامی دولت افشار و افق‌های استراتژیک آن در شرق، شهر مشهد از موقعیت تهاجمی و دفاعی مناسبی برخوردار بود. البته، تغییر در ایدئولوژی ژئوپلیتیکی (تغییر از شیعه به سنی) دولت ایران و انطباق آن با ایدئولوژی ژئوپلیتیکی دولت عثمانی نیز به نحوی در مکان‌گزینی پایتخت ایران در منتهی‌الیه شمال شرقی کشور و دوری آن از جبهه غربی و قدرت دولت عثمانی بی‌تأثیر نبوده است. هر چند که تجربه‌های تلخ و گرانبهای انتقال پایتخت در دولت صفویان، دوری و کناره‌گیری پایتخت دولت افشاریه از حوزه نفوذ و عدم نزدیکی آن را به محدوده ژئواستراتژیک دولت عثمانی دیکته می‌نمود، با این حال، علی‌رغم چندین درگیری بین دو دولت، تغییرات به وجود آمده در ایدئولوژی ژئوپلیتیکی دولت افشاریه عاملی مهم در جهت دفع تهدیدهای خارجی از جانب غرب بوده است.

۴-۳-۳- دوره زندیان

با سقوط دولت افشار، کریم‌خان زند دولت زند را در سطح ملی بنا نهاد و شهر شیراز در نزدیکی خاستگاه قوم زند را به‌عنوان کانون سیاسی خود برگزید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۸). این دوره، از نظر روابط سیاسی - تجاری ایران با قدرت‌های اروپایی، دوره انتقالی به‌حساب می‌آید (پری، ۱۳۶۵: ۹-۳۴۸). در این دوره، پایتخت کشور از شمال شرقی به جنوب (شیراز) منتقل شد (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۶). شیراز به‌عنوان مرکز ایالت فارس، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و ارتباط با خلیج فارس از دیرباز به‌لحاظ صنعت و تجارت صاحب مقام ویژه‌ای بود (خوب‌نظر، ۱۳۸۰: ۸۵۸).

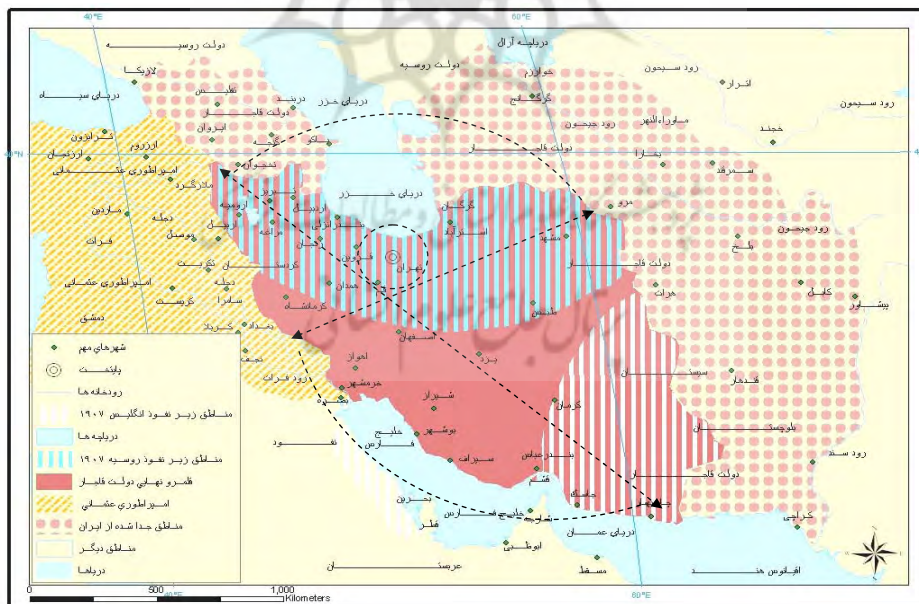


نقشه شماره ۱۱: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت دولت زندیه (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۸)

در واقع، در این دوره نیز با توجه به اهمیت آیکونوگرافیک مکان جغرافیایی و حس تعلق مکانی، شیراز به‌عنوان خاستگاه قوم زند، از اهمیت ویژه‌ای برای این دولت برخوردار بود. این شهر، با توجه به گذشته و تاریخ سیاسی خود در نزد مردم منطقه (شیراز در دوره هخامنشیان، و حکومت‌های محلی دیالمه فارس، اتابکان فارس، آل مظفر و خاندان اینجو دارای نقش‌آفرینی سیاسی - اداری بوده است) و نیز موقعیت مناسب ارتباطی و مواصلاتی داخلی آن و بویژه استیلای جغرافیایی و دسترسی آن بر گستره آبهای آزاد، از وزن ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار بود. در آن زمان، خلیج فارس نمونه بارز آبهای استراتژیک جهان به‌شمار می‌رفت که صحنه رقابت دولت‌های اروپایی شده بود. در چنین شرایطی، در واقع، این گستره استراتژیک دروازه ورودی و حلقه اتصال ایران و به طور کلی آسیای مرکزی با اروپا به حساب می‌آمد. بنابراین، نزدیکی شیراز به این گستره ژئوپلیتیکی، به نوعی تفوق و استیلای ژئوپلیتیکی برون مرزی نیز به آن بخشیده بود.

۴-۳-۴- دوره قاجاریان

مهمترین دلایل انتخاب تهران به عنوان پایتخت را می‌توان، امکان نظارت و کنترل آن بر مناطق شمالی، بویژه منطقه مرزی ایران با روسیه که قویترین دشمن ایران به حساب می‌آمد و نیز نزدیکی آن به استرآباد، هسته اصلی قوم قاجار و قلمرو اجداد آقامحمدخان در شمال ایران دانست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۸۹). این شهر به لحاظ موقعیت استراتژیک آن، علاوه بر موقعیت نظامی و امنیتی آن در پشت کوه‌های البرز، با توجه به اینکه در نزدیکی سکونتگاه‌های اقوام افشار ساوجبلاغ، خلیج‌های ساوه و عرب‌های ورامین که در جمع هواداران آقامحمدخان بودند قرار داشت، از یک نوع امنیت نظامی نیز برای حکومت قاجار برخوردار بود (تکمیل‌همایون، ۱۳۷۹: ۷۹). به علاوه، تهران به اندازه کافی از پایتخت‌های قدیمی ایران فاصله داشت. دوری‌گزینی از پایتخت‌های قدیمی، به دلیل فاصله‌گیری این حکومت از برگزیدگان و بازماندگان حکومت‌های قبلی مورد توجه بوده است. این شهر، با توجه به اینکه در مرکز کشور قرار داشت، از نظر استراتژیک به اندازه مورد نیاز به تمام بخش‌های کشور دسترسی یکسان داشت (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۹).



نقشه شماره ۱۲: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک پایتخت دولت قاجار (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۱)

در مجموع، این انتخاب نتیجه ترکیب چندین عامل در گزینش مکان جغرافیایی پایتخت دولت قاجار بوده است. به عبارت دیگر، انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت دولت قاجار، مهمترین و موفق‌ترین انتخاب ژئوپلیتیکی آن دولت به‌حساب می‌آید. این انتخاب، نه تنها بازتاب ژئوپلیتیکی هسته ملی دولت قاجار بود، بلکه در جایی مکان‌گزینی شده بود که همزمان از پشتیبانی و حمایت ملی دیگر اقوام دوست و نزدیک قاجارها نیز برخوردار بود. در واقع، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی محیط جغرافیایی تهران آن را به‌عنوان اصلی‌ترین تکیه‌گاه ژئوپلیتیکی این دولت معرفی می‌کند. همچنین، تهران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در مرکز ثقل جغرافیایی کشور، در جهت اداره و کنترل کامل بر گستره جغرافیای سیاسی کشور، از استیلای کامل جغرافیایی برخوردار بود. از طرفی نیز، این ویژگی جغرافیایی پایتخت، با یک آرایش کاملاً هندسی، آن را در کانون مهمترین نقاط ارتباطی و مواصلاتی پایتخت‌های سابق و مراکز تجاری - اقتصادی کشور قرار داده بود. این ویژگی جغرافیایی تهران، نمود کامل تسلط و کنترل آن بر مناطق برخوردار از پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی قدرت و حکومت بوده است. همچنین، این موقعیت جغرافیایی تهران، پایتخت را در مقابل تهدیدهای ناشی از طرف شمال از عقبه و عمق ژئوپلیتیکی گسترده‌ای برخوردار ساخته بود. در واقع، پایتخت ایران به راحتی در شرایط بحرانی قابل انتقال به بخش‌های جنوبی‌تر کشور بوده است.

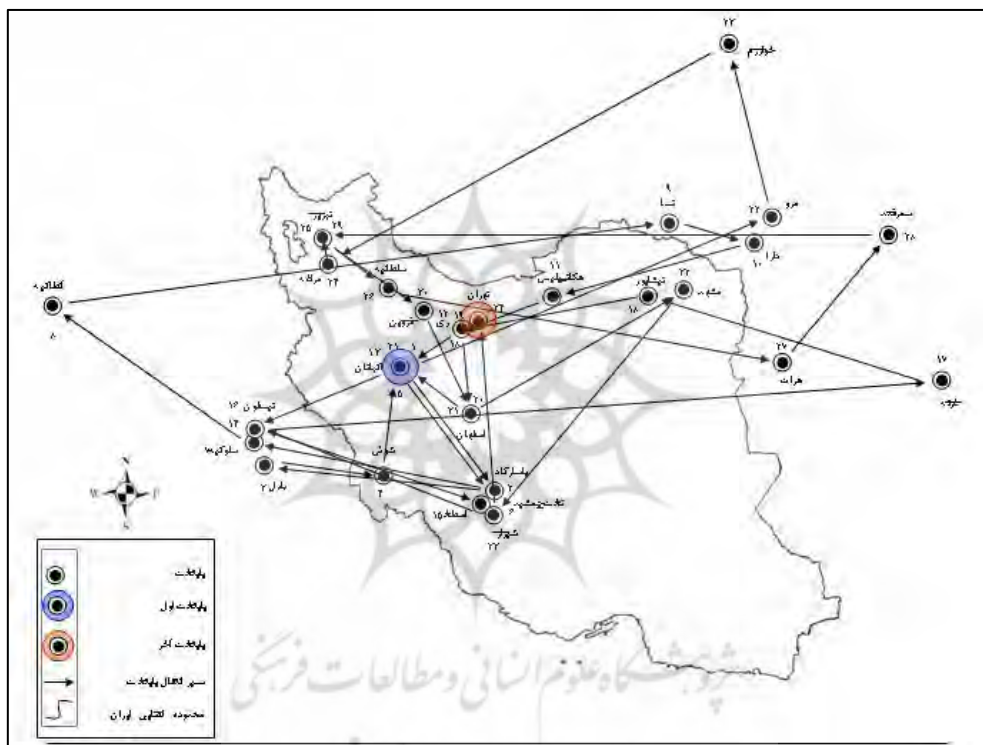
۵- نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، هر کدام از عوامل یاد شده شامل خاستگاه قومی، موقعیت مکان مرکزی (هسته‌ای) و تهدیدات خارجی به‌عنوان مهمترین واقعیت‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در فرایند انتقال و مکان‌گزینی پایتخت‌های سرزمین ایران نقش بسزایی داشته‌اند. در همین راستا، در بیشتر دولت‌های تشکیل شده در این سرزمین، عامل خاستگاه قومی، مهمترین عامل ژئوپلیتیکی به‌لحاظ بار ژئوپلیتیکی حمایت ملی در تعیین مکان پایتخت، در جهت تثبیت و تحکیم اولیه پایه‌های حکومت و دولت بوده است. در واقع، بعد از تثبیت و تحکیم اولیه پایه‌های حکومت و دولت، این بار عامل موقعیت مکان مرکزی (هسته‌ای) است که مهمترین عامل انتقال پایتخت به

یک موقعیت برتر به لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در داخل کشور برای تسلط و کنترل کامل آن بر گستره جغرافیای سیاسی، انسانی و شبکه شهری کشور در جهت تثبیت و تحکیم پایدار پایه‌های حکومت و دولت به شمار می‌رود. همچنین، وجود تهدیدهای برون مرزی نیز به عنوان مهمترین واقعیت ژئوپلیتیکی هر دولت در تقابل منافع آن با دولت‌های همسایه و به تبع آن افزایش وزن ژئوپلیتیکی مکان جغرافیایی دولت، همواره یکی از مهمترین محرک‌های اصلی در انتقال و مکان‌گزینی دوباره پایتخت در یک موقعیت کاملاً محوری و مسلط به کانون تهدید برای ایجاد تعادل ژئوپلیتیکی دولت بوده است. لازم به ذکر است، تهدید خارجی یا باعث مکان‌گزینی پایتخت در یک موقعیت پیشتاز و مسلط به کانون تهدید بوده و یا باعث مکان‌گزینی آن در یک موقعیت کاملاً دور و تقریباً دست‌نیافتنی از کانون‌های تهدید خارجی است. در واقع، هدف اصلی این رویکرد، پرکردن خلأ ژئوپلیتیکی دولت در مقابل دشمن خارجی و به تبع آن برقراری تعادل ژئوپلیتیکی آن دولت در سطح ملی، منطقه‌ای و برون منطقه‌ای بوده است. با این حال، باید توجه داشت که هر مکان جغرافیایی در تبدیل آن به پایتخت دولت مربوطه، با توجه به واقعیت‌ها و ارزش‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خود، به نحوی در نقش یک منطقه هسته‌ای در انتقال و مکان‌گزینی پایتخت‌ها تأثیرگذار بوده است. در واقع، برخوردار بودن مکان جغرافیایی پایتخت از بار ژئوپلیتیکی پشتیبانی ملی، استیلای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن بر گستره جغرافیای سیاسی، انسانی و شبکه شهری کشور، و به تبع آن موقعیت مسلط ارتباطی و مواصلاتی آن در داخل و ماورای مرزهای کشور، و نیز موقعیت استراتژیک و نظامی آن در برابر تهدیدات برون مرزی، همه دلالت بر موقعیت هسته‌ای پایتخت دارد.

در همین راستا، در بین پایتخت‌های ایران (پایتخت‌های ملی)، شهرهای اکباتان (دوره مادها و هخامنشیان)، پاسارگاد، تخت‌جمشید، آنطاکیه، نسا، استخر، غزنه، نیشابور، مرو، خوارزم، مراغه، تبریز (دوره ایلخانان و صفویان)، سمرقند، مشهد، شیراز، تهران (قاجار) شهرهایی هستند که عامل خاستگاه قومی و تکیه‌گاه ملی دولت یا عوامل حکومتی در مکان‌گزینی و انتخاب آنها به عنوان پایتخت دولت مربوطه نقش داشته است. البته، همه شهرهای مربوطه کاملاً در مرکز ثقل ملی دولت خود قرار نداشته است، بلکه گاهی نزدیکی آن به مرکز ثقل ملی دولت (مانند آنطاکیه در دوره سلوکیان، نیشابور در دوره سلجوقیان و تهران در دوره قاجار) یا موقعیت آن در کانون

فرهنگی و انسانی همسان با بدنه اصلی حکومت (مانند اکباتان در دوره هخامنشیان و مراغه و تبریز در دوره ایلخانان مغول در کانون ترک‌های سلجوقی در آذربایجان) یکی از دلایل اصلی مکان‌گزینی آن شهر به‌عنوان پایتخت بوده است. به‌طور کلی، انتخاب ۱۸ پایتخت در بین پایتخت‌های ایران، کاملاً با عامل خاستگاه قومی و ملی دولتهای وقت انطباق دارد.



نقشه شماره ۱۳: فرایند انتقال پایتخت‌ها در ایران (از دوره ماد تا دوره معاصر) (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۱۹)

با این وجود، با توجه به جدول شماره ۱، مکان‌گزینی اکثر پایتخت‌های ایران به نحوی بر موقعیت مکان مرکزی یا هسته بودن آنها دلالت دارد. تا جاییکه این عامل در مکان‌گزینی شهرهای اکباتان (دوره مادها، هخامنشیان و اشکانیان)، شوش، بابل، سلوکیه، آنطاکیه، هکاتم پلیس، ری، تیسفون (دوره اشکانیان و ساسانیان)، غزنه، اصفهان (دوره سلجوقیان و صفویان)، خوارزم، تبریز (دوره ایلخانان و صفویان)، سلطانیه، هرات، سمرقند، قزوین، مشهد، شیراز و

تهران در دوره قاجار تأثیر بسزایی داشته است. البته، این عامل در مکان‌گزینی بقیه پایتخت‌ها نیز بدون تأثیر نبوده است. بر این اساس، این عامل ژئوپلیتیکی، حداقل ۲۴ بار به طور جدی در مکان‌گزینی پایتخت‌های ایران نقش‌آفرین بوده است. این عامل ژئوپلیتیکی، قطعاً در انتخاب ۱۰ پایتخت دیگر نیز دخیل بوده است.

وجود عامل تهدید خارجی نیز به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در فرایند مکان‌گزینی پایتخت‌های ایران، کاملاً مشهود است. این عامل نیز، حداقل در مکان‌گزینی اکباتان (دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و سلجوقیان)، بابل، سلوکیه، آنطاکیه، دارا، نسا، هکاتم پلیس، ری (دوره اشکانیان و سلجوقیان)، تیسفون (دوره اشکانیان و ساسانیان)، غزنه، نیشابور، مرو، خوارزم، مراغه، تبریز (دوره ایلخانان و صفویان)، سمرقند، قزوین، اصفهان، مشهد، شیراز و تهران در دوره قاجار تأثیرگذار بوده است. در واقع، انتخاب ۲۶ پایتخت نیز به نحوی تحت تأثیر این عامل به انجام رسیده است. با این حال، لازم به یادآوری است که مکان‌گزینی پایتخت‌ها، هیچ وقت به خاطر یک و یا دو عامل به انجام نرسیده است، بلکه عوامل متعددی در کنار هم در این کار دخیل بوده‌اند. برای مثال، در مکان‌گزینی اکباتان در دوره مادها سه عامل ذکر شده همه با هم در انتخاب آن به‌عنوان پایتخت مادها تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول شماره ۱: نقش هر یک از عوامل مؤثر در مکان‌گزینی

دولت ساسانیان	دولت اشکانیان							دولت هخامنشیان							دولت ماد	عوامل مکان‌گزینی پایتخت
	اس	تی	اک	ری	هک	نس	دا	آن	سل	با	اک	تخ	پا	شو		
	+					+		+			+	+	+		+	خاستگاه قومی
	x	+	+	+	+	x	x	+	+	+	+	x	x	+	+	موقعیت مکان مرکزی (هسته‌ای)
		+	+	+	+	+	+	+	+	+	+				+	تهدید خارجی

ادامه جدول شماره ۱: نقش هر یک از عوامل مؤثر در مکان‌گزینی

جمع	دولت قاجار	دولت زندیان	دولت افشاریان	دولت صفویان			دولت تیموریان		دولت ایلخانان			دولت خوارزمشاهیان				دولت سلجوقیان				دولت غزنویان
	ت	ش	م	ا	ق	ت	س	هـ	س	ت	م	خ	م	ا	هـ	ر	ن	غ		
۱۸	+	+	+			+	+			+	+	+	+				+	+		
+ ۲۴ کامل	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	x	+	x	+	x	x	x	+		
۱۰x جزئی																				
۲۶	+	+	+	+	+	+	+			+	+	+	+	+	+	+	+	+		

در نهایت با توجه به این که عامل موقعیت مکان مرکزی (قابلیت هسته‌ای) پایتخت‌ها و نیز تهدیدات خارجی نسبت به عامل خاستگاه قومی دولت‌ها در مکان‌گزینی پایتخت‌های ایران نقش بارزتری داشته‌اند، بنابراین، فرضیه اول مبنی بر اینکه عامل خاستگاه قومی دولت‌ها در مکان‌گزینی پایتخت‌های ایران بیشترین سهم را داشته است، رد می‌شود، و دو فرضیه بعد: یعنی ارتباط مستقیم بین مکان‌گزینی پایتخت‌های ایران با عامل مکان مرکزی (قابلیت هسته‌ای) مکان جغرافیایی و تأثیرگذاری تهدیدات خارجی در مکان‌گزینی و انتقال پایتخت-های ایران تأیید می‌گردد.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به خاطر حمایت مالی از این پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورند.

منابع

۱. بهفروز، فاطمه (۱۳۸۰)؛ زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲. بویل، ج. آ (۱۳۸۰)؛ تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، تهران.
۳. پری، جان ر (۱۳۶۵)؛ کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۴۷-۱۷۷۹، ترجمه علی‌محمد سالکی، مجموعه ایران شناسی فراز (سه)؛ تهران.
۴. تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۷۹)؛ تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری، ج ۱، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۵. ثلاثی، محسن (۱۳۷۹)؛ جهان ایرانی و ایران جهانی، نشر مرکز، تهران.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، سمت، تهران.
۷. خوب‌نظر، حسن (۱۳۸۰)؛ تاریخ شیراز از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم‌خان زندانتشارات سخن، تهران.
۸. فرای، ر. ن (۱۳۶۳)؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، امیر کبیر، تهران.
۹. قفس‌اوغلو، ابراهیم (۱۳۶۷)؛ تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان، نشر گستره، تهران.
۱۰. کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۴)؛ پایتخت‌های ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش.
۱۱. مدد، محمد (۱۳۸۴)؛ اطلس تاریخ ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران.
۱۲. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱)؛ تهران ظهور یک کلانشهر، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۱۳. میرحیدر، دره (۱۳۸۱)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، سمت، تهران.
۱۴. نورایی، مرتضی (۱۳۸۴)؛ اندیشه سیاسی ایرانی و پایتخت‌های ایران (۹۰۷-۲۰۵ هـ. ق/۱۵۰۱-۸۲۰ م)، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۴۰، صص ۲۰۲-۱۷۹.
۱۵. ولی‌قلی‌زاده، علی (۱۳۸۷)؛ تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر زهرا احمدی‌پور، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
16. Cohen, Saul Bernard. (1964); *Geography and Politics in A Divided World*, London, Methuen.
17. Dikshit, Ramesh Dutta. (1995); "Political Geography: the Discipline and Its Dimension ". New Delhi, Tata McGraw – Hill Publishing Company Limited.
18. Glassner, Martine. (2004); "Political Geography". London, John Wiley & Sons, Inc.
19. Pounds, Norman J. G. (1963); "Political Geography", New York: McGraw Hill Book Co. INC.
20. Taylor, Peter J. (1989); "Political Geography: world economy, nation-state, and locality", New York, Longman Scintfic & Technical, U. K.
21. Weigert, Hans. W & et al; "Principles of Political Geography". New York: APPLETON-CENTURY-CROFTS, Inc.